



مُلا مُحَمَّد قُصُولِي بَغدَادِي

(٨٩٨-٩٦٣ هـ)

مطالع الاعتراف

في معرفة المبدأ والمعاد

تصحيح وتحقيق ومقدمه

بسما نعلی کوشا

سرشناسه: فضولی بغدادی، محمد بن سلیمان، ۹۹۱۳-۹۹۷۶ق.
 عنوان و نام پدیدآور: مطلع الاعتقاد فی معرفه المبدأ والمعاد / ملامحمد فضولی بغدادی
 (۸۹۸-۹۶۳هـ.): تصحیح، تحقیق و مقدمه سبحانعلی کوشا.
 مشخصات نشر: تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری: ۱۶۴ص.
 شابک: 978-600-5101-49-2، قیمت: ۴۶۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 یادداشت: عربی.
 یادداشت: مقدمه کتاب به فارسی است.
 موضوع: کلام شیعه امامیه - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
 شناسه افزوده: کوشا، سبحانعلی، مصحح، مقدمه‌نویس.
 شناسه افزوده: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
 رده‌بندی کنگره: ۶۱۲۹۱م ۶۷۰/۷ BP
 رده‌بندی دیویی: ۱۷۲/۴۱۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۱۲۲۵۸



مطلع الاعتقاد فی معرفه المبدأ والمعاد

ملاحمد فضولی بغدادی

تصحیح، تحقیق و مقدمه:

سبحانعلی کوشا

ویراستار: دکتر مقصود محمدی

چاپ اول، تابستان ۱۳۹۱، ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: شومیز ۴۶۰۰ تومان

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی ضلع شمالی مصلای بزرگ تهران،
 مجتمع امام خمینی(ره)، ساختمان ۱۲، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا
 صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۹۱۹، تلفن: ۸۸۷۳۴۶۸۶-۹ و ۸۸۱۵۳۵۹۴ و دورنگار: ۸۸۴۹۳۸۰۳

کلیه حقوق متعلق به بنیاد حکمت اسلامی صدرا است.

ISBN: 978-600-5101-49-2

شابک: ۹۷۸۶۰۰۵۱۰۱۴۹۲

فهرست مطالب

مقدمه مصحح	پنج تا چهل و شش
ملاحمد فضولی بغدادی	هفت
آثار فضولی به زبان فارسی	ده
آثار فضولی به زبان ترکی	دوازده
آثار فضولی به زبان عربی	چهارده
نگاهی اجمالی به مباحث مطلع الاعتقاد	چهارده
رکن اول: در معرفة العلم و علم المعرفة	پانزده
رکن دوم: در معرفت احوال عالم	هجده
رکن سوم: در شناخت واجب الوجود	بیست و هفت
رکن چهارم: در شناخت نبوت و متعلقات آن	سی و پنج
شیوه تصحیح	چهل و سه
تصاویر نسخه‌ها	چهل و پنج
مطلع الاعتقاد في معرفة المبدأ والمعاد	۱۱۲-۱
[المقدمة]	۴-۳

الركن الأول: في معرفة العلم وعلم المعرفة	١٦ - ٥
الباب الأول: في [ماهية العلم والمعرفة]	٧
الباب الثاني: في وجوب المعرفة	١٠
الباب الثالث: في أقسام المعرفة	١٢
الباب الرابع: في طرق المعرفة	١٤
الركن الثاني: في معرفة أحوال العالم	٤٠ - ١٧
[الباب] الأول: في مبدأ العالم	١٩
الباب الثاني: في معرفة أجزاء العالم	٢٣
الباب الثالث: في معرفة أصناف العالم	٢٩
الباب الرابع: في معرفة الإنسان	٣٤
الباب الخامس: في وجود الجن	٣٨
الركن الثالث: في معرفة الواجب وما يتعلق به	٦٦ - ٤١
[الباب] الأول: في ما يحتاج الطالب إلى معرفته مقدّماً	٤٣
الباب الثاني: في إبطال الدور والتسلسل	٤٨
الباب الثالث: في إثبات وجود الواجب	٥٠
الباب الرابع: في الصفات	٥٧
الباب الخامس: في أفعاله	٦٠
الباب السادس: في الحسن والقبح	٦٢
الباب السابع: في الخير والشر	٦٣
الباب الثامن: في الوجوب عليه	٦٥
الركن الرابع: في معرفة النبوة ومتعلقاتها	٩٦ - ٦٧

[الباب] الأول: في احتياج الناس إلى النبي	٦٩
الباب الثاني: في العصمة	٧٦
الباب الثالث: في نبوة نبيّنا	٧٨
الباب الرابع: في تفضيله على سائر الأنبياء	٧٩
الباب الخامس: في الإمامة	٨٥
الباب السادس: في الحشر	٨٧
الباب السابع: في معرفة أحوال النفس	٩٤
الباب الثامن: في الميزان والصراط والحساب	٩٦
فهرستها	٩٧ - ١١١
فهرست آیات	٩٩
فهرست احاديث و اقوال	١٠٠
فهرست اشخاص	١٠١
فهرست اصطلاحات	١٠٣
فهرست نام گروهها	١٠٦
فهرست منابع تحقيق	١٠٨

بسم الله الرحمن الرحيم

ملا محمد فضولی بغدادی

فضولی بغدادی ادیب، شاعر و متفکر شیعی قرن دهم هجری، بنا بر نوشته تذکره‌نویسان، در شعر و ادب زبانهای فارسی و ترکی و عربی، در عصر خود سرآمد اقران بوده و در هر یک از آنها آثار ارزشمندی از خود بیادگار نهاده است. امین احمد رازی در تذکره خود هفت اقلیم که در سال ۱۰۰۲ هجری تألیف کرده، گوید: «فضولی در فضل و دانش بر بسیاری از همگنان فایق بوده و در فهم و ذکاوت بر اقران سابق، به دو زبان در شاعری غلم گشته و قصب السبق از همگنان ربوده برهان فصاحتش، دیوان ترکی است که امروزه متداول است...»^۱

عهدی بغدادی در تذکره گلشن شعراء که در سال ۹۷۱ هجری تألیف نموده درباره فضولی نوشته است: «مولانا فضولی در کمال معارف کامل، و در فنون فضائل خوش طبع و شیرین سخن، و در هندسه و حکمت و هیئت اهل حکمت، و در احادیث و تفسیر پیرو شریعت و در حد ذات خود اهل طریقت بود، در زبانهای سه گانه (عربی، فارسی و ترکی) به سرودن اصناف شعر قادر، در طرز معنّا و عروض و قافیه ماهر بود»^۲.

مدرس تبریزی در ریحانة الأدب گوید: «فضولی شاعری است حقایق ترجمان و

(۱) امین احمد رازی، هفت اقلیم، ص ۱۸۰.

(۲) کتابخانه دانشگاه استانبول، نسخه خطی شماره ۲۶۰۴. بنقل از مقدمه دیوان اشعار ترکی فضولی، ص ۲۵.

آتشین بیان، از اکابر شعرای قرن دهم هجری که اشعار مؤثر و سوزناک بسیاری با زبان ترکی بسیار فصیح و ملیح انشاء کرده و گاهی به زبان عربی و فارسی نیز شعر میگفته است.^۱

نامش محمد فرزند سلیمان ملقب به فضولی بغدادی، در سالهای ۱۴۹۸ - ۱۴۹۴ میلادی ۸۹۸ - ۹۰۳ هجری در کربلا بدنیا آمده و در سال ۱۵۵۶ میلادی ۹۶۳ هجری^۲ به بیماری طاعون از دنیا رفته و در جوار حرم حضرت سید الشهداء در کربلا دفن شده است.^۳

پدرش ملا سلیمان عالم دینی و مفتی شهر حله بوده است.^۴ خانواده فضولی از قبیله بیات^۵ یکی از قبایل ترکان اوغوز بود که با سلجوقیان از آسیای میانه به ایران و عراق و آناتولی آمده و در این سرزمینها ساکن شده بودند.^۶ زبان اصلی فضولی زبان ترکی و زبان علمی وی زبان عربی است.

از دوران نوجوانی به سرودن اشعار عربی و ترکی پرداخته و با شعرهای زیبای خود مشهور گشته، و در دوران جوانی اشعار او نه تنها در شهرهای عراق عرب بلکه در ایران و عثمانی و دیگر سرزمینهای اسلامی دست بدست میگشته است.

در مقدمه کلیات دیوان ترکی خود میگوید: «چون زورق وجودم با بادبان طبیعت از دریای طفولیت به ساحل ادراک و احساس رسید ... و این اقتضای کمال معنوی، عنان توسن اقبال را بجانب اکتساب آداب منعطف نمود و آفتاب حکمت بر جوهر طبعم اثر تحصیل معارف انداخت ... من که در صحیفه جیلتم کلک قضا از روز ازل حرف محبت نظم نوشته بود و در باغ خلقتم از ابتدای فطرت، تخم مودت موزونیت کاشته بود ... در مزرعه مزاجم گل مذاقی شعر ببار آمد ... طولی نکشید که از اشعه انوار نظمم خیلی از شهرها و ولایات پر شد ... و به آوازه نظم در جهان به شهرت رسیدم.

(۱) ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة واللقب، ج ۴، ص ۳۴۳ - ۳۴۴.

(۲) نگاهی به تاریخ ادبیات آذربایجان، ص ۳۷. (۳) همان، ص ۳۷.

(۴) همان، ص ۳۶. (۵) همان، ص ۳۶ و الذریعة، ص ۸۳۶.

(۶) نگاهی به تاریخ ادبیات آذربایجان، ص ۳۶.

در این اوقات مشاطه همتم روا ندید که مخدّره حسن نظمم خالی از پیرایه معارف، در منصفه دهر، جلوه نماید و صراف استعداد علوّ رفعم رضایت نداد که رشته سلک شعرم عاری از جواهر علم، گردن بند عالم گردد. برای اینکه شعر بدون علم به دیواری بیپایه میماند و با آخره بی اعتبار میگردد ... مدتی نقد جانم صرف اکتساب فنون علوم عقلی و نقلی، و حاصل عمرم بذل اقتنای فواید حکمی و هندسی گردید و با مرور ایام برای شاهد نظمم از لالی اصناف هنر پیرایه ها ترتیب دادم.^۱

فضولی مآدمات عربی و فارسی را پیش پدرش ملاسلیمان آموخت^۲ سپس به علوم عقلی و نقلی و هندسه و هشت پرداخت^۳ تا به درجه ملائی رسید و به «ملاحمد فضولی» ملقب گردید. در سرودن اشعار از شعر عربی آغاز نمود که بگفته خود، پرداختن به شعر عربی برای وی چندان مشکل نبود، چون زبان علمی وی بود و شعر گفتن به زبان ترکی نیز که زبان اصلی او بود، آسان و خالی از زحمت بود. ولی شعر فارسی برای او خیلی راحت نبود. شاعران بزرگ و شیرین سخن فارسی گوی پیش از او در همه فنون شعری، اشعار زیبایی سروده و در همه مضامین سخن سرائی کرده بودند. و فضولی شاعر مقلدی نبود که کار دیگران را تقلید نماید یا از شیوه پیشینیان پیروی کند، او پیوسته در پی مضامین نو و شیوه های جدید بود. لذا میگوید: «گاهی به اشعار عربی پرداختم و فصیحای عرب را به فنون تازی فی الجمله محظوظ ساختم و آن بر من آسان نمود، زیرا زبان مباحثه علمی من بود. و گاهی در میدان ترکی سمند طبیعت دواندم و ظرفای ترک را به لطافت گفتار ترکی تمتعی رساندم، آن نیز چندان تشویشم نداد، چون به سلیقه اصلی من موافق بود. و گاهی به رشته عبارت فارسی گهر کشیدم و از آن شاخسار میوه کام دل چیدم، اما بواسطه رغبت اغلاق و مودّت دقّت مضمون که در جبلت داشتم، اوقاتی بوده که شب تا سحر زهر بیداری چشیدم و به صد خون جگر مضمونی را به عبارت کشیدم، چون روز شد به عیب توارد، قلم

(۱) دیوان اشعار ترکی، ص ۹۸-۹۹.

(۲) همان، ص ۵۲.

(۳) عهدی بغدادی، تذکره گلشن شعرا و دیوان اشعار ترکی فضولی، ص ۲۵.

ردم و از تصرف آن بازماندم. و در اوقات دیگر نیز روز تا شب به دریای فکرت فرو رفتم و گوهر خاصی به الماس سخن سافتم، چون گفتند که این مضمون از فهم دور است و این لفظ در میان قوم فارس نامعمول، از نظر انداختم و به سلسله تسوید مقید نساختم.^۱

فضولی در طول حیات خود از محیط عراق عرب بیرون نرفت و تمام دوران زندگی خود را در کریملا و بغداد و حله و سایر شهرهای عراق گذراند و هرگز به دربار شاهان عثمانی یا صفوی پا ننهاد.^۲ فضولی درباره تخلص خود چنین گوید: «در ابتدای شروع نظم، هر چند روزی دل بر تخلص مینهادم و بعد از مدتی بواسطه ظهور شریکی به تخلص دیگر تغییر میدادم، آخر الامر معلوم شد یارانی که پیش از من بوده‌اند تخلص‌ها را بیش از معانی ربوده‌اند. خیال کردم که اگر تخلص مشترک اختیار نمایم در انتساب نظم، بر من حیف رود اگر مغلوب باشم و بر شریک ظلم شود اگر غالب آیم ... «فضولی» تخلص کردم ... و دانستم که این لقب مقبول طبع کسی نخواهد افتاد»^۳ و بیم شرکت او بمن تشویشی نخواهد داد ...».

آثار ارزشمندی در نظم و نثر فارسی، ترکی و عربی از فضولی بجا مانده است که باختصار به آنها اشاره میشود:

آثار فضولی به زبان فارسی

- (۱) دیوان اشعار فارسی مشتمل بر قصاید، غزلیات، قطعه، ترکیب‌بند و رباعی که با همت و تصحیح و حواشی پروفیسور دکتر حسیه مازی اوغلی در سال ۱۹۶۱ میلادی در آنکارا چاپ و منتشر شده است. این دیوان بعدها در تهران نیز چاپ و انتشار یافته است.
- (۲) مثنوی هفت جام یا ساقی نامه در مباحث عرفانی که شامل ۲۲۷ بیت و در هفت بخش و یک خاتمه است. هر یک از بخشها که نشئه نام دارد از زبان یکی از آلات موسیقی

(۱) فضولی، دیوان فارسی، ص ۹.

(۲) نگاهی به تاریخ ادبیات آذربایجان، ص ۳۷ و دیوان اشعار ترکی فضولی، ص ۱۰۰.

(۳) نگاهی به تاریخ ادبیات آذربایجان، ص ۳۷ و دیوان فارسی فضولی، ص ۱۰-۱۲ و دیوان اشعار ترکی ملا محمد

فضولی، ص ۵۲.

بیان میشود. در نشئه اول «نی»، در نشئه دوم «دف»، در نشئه سوم «چنگ»، در نشئه چهارم «عود»، در نشئه پنجم «سه تار»، در نشئه ششم «قانون»، و در نشئه هفتم خود مطرب با شاعر به صحبت میپردازد.

مثنوی هفت جام یا ساقی نامه اولین بار در ضمن کلیات هفت جلدی فضولی در سال ۱۲۸۶ هجری، در «مطبعة تصویر افکار» چاپ و منتشر شده است و بعد از آن بارها این کلیات هفت جلدی در تبریز و تهران انتشار یافته است.

۳) مثنوی صحت و مرض یا سفرنامه روح به زبان فارسی، داستان روح و بدن است. روح در عالم دیگر بدنیا آمده و وارد عالم بدن میگردد. در این عالم، چهار برادر (چهار قلو)، بنامهای «خون»، «صفراء»، «بلغم» و «سودا» را پیدا میکند. و با دختری بنام «مزاج» ازدواج نموده و صاحب پسری بنام «صحت» میشوند. روح با زن و فرزندش در عالم بدن به گردش میپردازد ...

۴) قصیده فارسی انیس القلب در تصدیق و نفي و چهار بیت، در فضیلت سخن و دانش و عرفان و انتقاد از ریا و ریاکاران و در فضل و برتری فقر و درویشی است.

۵) رساله رند و زاهد به فارسی و به نثر مسجع و موزون آمیخته با ابیات منظوم در مضامین عمیق عرفانی است. در این رساله، «زاهد» با پرسش «رند» به بحث میپردازد، در بحث از عشق الهی و راه رسیدن به آن صحبت میشود و از تنبلی و ریاکاری انتقاد میگردد. فضولی، ریا را ماده و منشأ فساد می شمارد. بحثها به نثر، ولی نتیجه گیریها با شعر بیان میشود. و خلاصه داستان اینست که «زاهد» پرسش «رند» را نصیحت میکند که از شعر و در بدری دست بردارد، ولی «رند» قبول نمیکند و از پدر میخواهد که به او اجازه دهد که از او جدا شود. زاهد پرسش را رها نمیکند، تا اینکه با هم راه سفر پیش میگیرند و ابتدا به مسجدی میرسند و در آنجا از ظاهر و باطن بحث میکنند بعد به میخانه میروند و رند در تعریف میخانه، و زاهد در مذمت آن به سخن میپردازند. رند از پدر اجازه گرفته وارد میخانه میشود و جام شرابی به سر میکشد، زاهد در بیرون میخانه در انتظار پسر میماند.

رند در میخانه با پیری روشن ضمیر آشنا شده و با او وارد مناظره میگردد. زاهد بعد از مدتی انتظار، وارد میخانه شده و پسرش را در حالت مستی مشاهده میکند. زاهد با آن پیر وارد صحبت شده و دربارهٔ اراده، قدر، رحمان و شیطان و ثواب و گناه صحبت میکنند. بالأخره زاهد تسلیم پیر شده و اندیشهٔ خود را باطل اعلام میکند.

در این اثر «رند» سمبل قلب، دل و عشق، و «زاهد» تمثیلی از عقل و فکر میباشد. و فضولی با نظر عارفانهٔ خود، عشق را بالاتر از عقل میشمارد. رسالهٔ رند و زاهد با تصحیح و حواشی کمال ادیب کورچکی اوعلی در سال ۱۹۵۶ در آنکارا چاپ و در دسترس علاقمندان قرار گرفته است.

آثار فضولی به زبان ترکی

۱) دیوان اشعار ترکی شامل قصاید، غزلیات، قطعه‌ها، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مربع، مخمس، مسدس، تضمین، ملمع و رباعیات، مجموعاً بیش از چهار هزار و دویست بیت است که تاکنون بارها در تبریز، تهران، باکو، استانبول، آنکارا و سایر شهرها چاپ و منتشر شده است و در سالهای اخیر نیز با مقدمه و تحقیق و تصحیح آقای دکتر حسین محمدزاده صدیق در نشر اختر تبریز انتشار یافته است. نشر اخیر در تهیهٔ این مقدمه مورد مراجعهٔ اینجانب بوده است و بدین جهت از نامبرده سپاسگزارم.

۲) مثنوی بنگ و باده که چهارصد و پنجاه بیت است، با مناجات بیرون دگار و ستایش حضرت رسول و مدح حضرت علی (ع) شروع میشود، سپس شاعر به مدح شاه اسماعیل صفوی میپردازد. بعد، حکایتی نقل میکند که در آن، باده (شراب) و بنگ (حشیش) بصورت دو رقیب، هر یک میخواهد دیگری را مغلوب نموده و برای همیشه از صحنه بیرون کند و بالأخره کار آندو بکنگ و مبارزه میانجامد و در این مبارزه، شراب بر حشیش پیروز میشود ... بنظر بعضی محققان، منظور فضولی از «باده» شاه اسماعیل صفوی، و از «بنگ» سلطان بایزید، بوده است. مثنوی بنگ و باده بارها در ضمن کلیات دیوان فضولی در تبریز و